

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

کمی از «گری لینه‌کر» یاد بگیر پسر جان!

عادل فردوسی‌پور که معرف حضورتان هست. او پس از توقف برنامه‌اش در صداوسیما دوره افتاده و به بهانه تولید محتوای فوتبالی در یوتوب به نظام اسلامی متلک می‌اندازد و از جدا بودن روح شریف ورزش و سیاست از یکدیگر حرف می‌زند. البته مثال نقض یافته‌ها و حرف‌های او به قدری فراوان است که می‌شود از تناقضاتش برق تولید کرد. برای نمونه وقتی از شادی و طراوت تیم ملی نروژ که در نتیجه قبول شرایط زندگی عادی حادث شده می‌گوید، نمی‌داند یا خودش را به نادانی زده که یاران ارلینگ هالند بخشی از درآمد حاصل از شرکت در جام جهانی را به مردم فلسطین اهدا کرده‌اند.

۸



سخنان وزیر امور خارجه در یک برنامه مشکوک اینترنتی،
فاصله دستگاه دیپلماسی با واقعیات جنگ و مذاکره را نشان داد

جهان موازی عراقچی

۲



ایران در یک ماه
۶ میلیارد دلار
نفت فروخت ۴

اقتصاد ایران هنوز
با شرایط عادی
اداره نمی‌شود ۴



اعتراف پنتاگون
به یک شکست بزرگ

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

صفحه ۴

بین‌الملل

هیمنه آمریکا زیر آتش ایران

رسانه‌های مطرح آمریکایی در حالی از کشته شدن دو نظامی این کشور در حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکا در اردن و ادامه حملات متقابل دو طرف خبر می‌دهند که گزارش‌های آنها از ناتوانی واشنگتن در مهار پاسخ‌های ایران، افزایش تلفات ارتش آمریکا حکایت دارد.

صفحه ۵

اقتصادی

نسخه آمریکایی برای «پول رهن خانه» ایرانی

مرکز پژوهش‌های مجلس با مقایسه تجربه آمریکا در بازار اجاره مسکن، از ضرورت بازتعریف پول پیش خانه در ایران می‌گوید. هزینه مسکن برای بسیاری از شهرنشینان ایرانی به سطحی کمرشکن رسیده و ودیعه‌های سنگین، امنیت سکونتی را تهدید می‌کند.

سال‌ها این گزاره به افکار عمومی جهان القا می‌شد که برتری نظامی آمریکا بر ستون‌هایی چون جنگنده‌های رادارگریز، بمب‌افکن‌های راهبردی و سامانه‌های پیچیده و گران‌قیمت استوار است. اما جنگ ۴۰ روزه نشان داد که معادلات جنگ دیگر با منطق دهه‌های گذشته اداره نمی‌شود. پهپادهای کوچک، ارزان و قابل تولید انبوه، امروز قادرند هزینه‌هایی را به ارتش‌های بزرگ تحمیل کنند که هیچ سامانه چند صد میلیون دلاری قادر به جبران آن نیست.

متن کامل در صفحه ۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور پیامی از ملت عراق به پاس حماسه تشییع امام مجاهد شهید قدردانی کردند

حُبُّ الْحَسَنِ يَجْمَعُنَا



بین دو ملت عراق و ایران را نشان داد. بی تردید سران استکبار با دل‌هایی هراسان، تصاویر صحنه‌های باشکوه این اجتماع عظیم در عراق را مشاهده کردند و دیدند که چگونه سرمایه‌گذارهای کلائی که برای تخریب رابطه‌ی دو ملت به عمل آورده بودند پوچ و بی‌اثر از آب درآمد. این حضور چند ده میلیونی هم در ایران و هم در عراق آن هم به مناسبت تشییع و بدرقه‌ی امام مجاهد شهید اعلی‌الله مقامه الشریف، فصل جدیدی از بیداری و نقش‌آفرینی برای تغییر معادلات از پیش ساخته‌ی مستکبران را رقم زد. اینک شیطان بزرگ، امریکای جنایتکار فهمیده است که استمرار حضور بی‌دردسرو سلطه‌گرانه‌اش بر منطقه، خیالی خام بیش نیست.

به زودی بار دیگر آغوش گشوده‌ی ملت کریم عراق و عشایر و طوائف خون‌گرم و با محبت آن به روی زائران مشتاق زیارت اربعین و از جمله انبوهی که به نیابت از آقای شهید ایران زیارت می‌کنند، با خاطره‌ی این تشییع شکوهمند و بزرگ مردی که شاید سالها آرزوی تشرّف به اعتاب مقدّسه را در دل می‌پروراند، درآمیخته و شعار پراز حقیقت حُبُّ الْحَسَنِ يَجْمَعُنَا را به رخ همگان خواهد کشید و آن‌شاالله دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف برای امنیت و برکت و پیشرفت ملت عراق را در پی خواهد داشت؛ بَمَنْه و کَرَمه.

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای
۲/ صفر المظفر/ ۱۴۴۸
۲۶/ تیر/ ۱۴۰۵

برخورد دارند، با سابقه‌ی درخشانی از فرهنگ و بهره‌مندی از پشتوانه‌ای معنوی و هدایت‌بخش چون حوزه‌ی نورانی و کهن نجف اشرف و عملکرد مجاهدانه در جبهه‌ی مقاومت، در استقبال از قائد عظیم‌الشان شهید اعلی‌الله مقامه الشریف همچون ملت ایران حماسه‌ای عظیم و پرمعنا و آکنده از سوز و گداز آفریدند. عراق، از آن روزی که قدم مبارک مولایمان امیرالمؤمنین صلوات‌الله وسلامه‌علیه بر خاک آن قرار گرفت، سرزمینی مبارک شد و به زودی مردمانش با افتخار تمام، طوق محبت و ولایت آن حضرت و اولاد طاهرینشان صلوات‌الله وسلامه‌علیهم اجمعین را بر گردن خود آویختند. دوران‌های تسلط جبّاران و حکام ظالم بر این سرزمین هیچ‌گاه نتوانست گوهر ناب ولایت و محبت به عترت طّیبه را از قلوب این مردم بزداید. از همین رو بعد از زوال حکومت بعثی، رویداد عظیم پیاده‌روی اربعین رخ داد و چون از عمق جان مردم با ایمان برمی‌آمد، روزه‌روز گسترش یافت، و دقیقاً به همین جهت آنگاه که این مردم دیدند فرزند مظلوم و شهید امیرالمؤمنین و سیدالشهداء صلوات‌الله وسلامه‌علیهم بعد از سالها دوری ظاهری از اعتاب مقدّسه، این بار با پیکری شبیه به حسین و مادرش و برادرش به طواف مراقب منوره می‌آید، با تمام وجود قدم او را گرمی داشتند.

از سویی دیگر این تشییع میلیونی و بی‌نظیر از علمدار مقاومت، جلوه‌ای تمام عیار از همدلی و اخوّت و هم‌مرامی

گروه سیاسی

نوبنیاد

رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور پیامی از ملت عراق به پاس حماسه تشییع امام مجاهد شهید قدردانی کردند. در بخشی از این پیام آمده است: به زودی بار دیگر آغوش گشوده‌ی ملت کریم عراق و عشایر و طوائف خون‌گرم و با محبت آن به روی زائران مشتاق زیارت اربعین واز جمله انبوهی که به نیابت از آقای شهید ایران زیارت می‌کنند، با خاطره‌ی این تشییع شکوهمند و بزرگ مردی که شاید سالها آرزوی تشرّف به اعتاب مقدّسه را در دل می‌پروراند، درآمیخته و شعار پراز حقیقت حُبُّ الْحَسَنِ يَجْمَعُنَا را به رخ همگان خواهد کشید و آن‌شاالله دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف برای امنیت و برکت و پیشرفت ملت عراق را در پی خواهد داشت؛ بَمَنْه و کَرَمه.

متن کامل رهبر معظم انقلاب اسلامی بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به محضر شریف مراجع عظام، علمای معزّز و اساتید و فضالای حوزات علمیّه و دانشگاه‌ها، اندیشمندان و نخبگان گرانقدر، امرا و سران قبائل و شیوخ عشایر و سران طوائف و مردم بزرگوار و با محبت و جوانان غیرتمند و شریف سرزمین مظلوم عراق سلام و تحیت و تکریم و تقدیر وافر می‌فرستیم.

مردم مؤمن عراق که از نعمت عظیم همجواری و میزبانی آل‌صلوات‌الله وسلامه‌علیهم اجمعین در اعتاب مقدّسه

سردار قآنی: مسیر پر افتخار مقاومت را ادامه خواهیم داد

سردار اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیام تشکر و وفاداری نسبت به مقام معظم رهبری، اظهار کرد: همچنان در دوره زعامت حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی مسیر نورانی و پرافتخار مقاومت را که بارها مورد تأیید حضرت ایشان بوده و هست را ادامه خواهیم داد.

متن پیام به شرح زیر است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرماندهان و رزمندگان جبهه‌های مقاومت ضمن قدردانی و اظهار تشکر از کرامت و بزرگواری مقام معظم رهبری نسبت به جبهه مقاومت، بار دیگر بر استمرار وفاداری اعتقادی خود به پیمانی که با امام شهید، امت رضوان‌الله تعالی علیه بسته بودیم، تأکید می‌کنیم و اعلام می‌داریم که همچنان در دوره زعامت حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی مسیر نورانی و پرافتخار مقاومت را که بارها مورد تأیید حضرت ایشان بوده و هست را ادامه خواهیم داد.

۲۸ تیر ماه ۱۴۰۵

اسماعیل قآنی

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

شمال و جنوب و شرق و غرب کشور را نمی‌توان از هم تفکیک کرد

علیرضا زاکانی، شهردار تهران گفت: ایران یکپارچه در معرض هجوم آمریکای جنایتکار قرار گرفته و یکپارچه نیز به آن پاسخ خواهد داد. در ابتدای جنگ رمضان و در جنگ ۱۲ روزه تهران خط مقدم بود و ما بیشترین حمله را در تهران داشتیم. از سراسر کشور به تهران آمدند و به ما کمک کردند. امروز وظیفه ماست که با دل و جان به کمک شهروندان جنوبی عزیزمان برویم، جان‌مان را در طبق اخلاص قرار دهیم و خدمت‌گزارشان باشیم. وی افزود: زاکانی همچنین با اشاره به حمله خصمانه آمریکای عهدشکن و جنایتکار به خطه جنوب کشور گفت: شمال و جنوب و شرق و غرب کشور را نمی‌توان از هم تفکیک کرد.

مراسم تشییع رهبر شهید هیچ فوتی‌ای نداشت

علی‌اکبر پور جمشیدیان معاون وزیر کشور گفت: مراسم تشییع آقای شهید ایران در تاریخ نمونه ندارد و بزرگترین مراسم تشییع تاریخ بشریت را در چنین روزهای گرمی در ایران و عراق شاهد بودیم و کوچکترین حادثه‌ای که جان مردم را به خطر بیندازد رخ نداد و در گرمای هوا به ویژه در کشور عراق که بالای ۵۰ درجه بود علیرغم حضور جمعیت‌های میلیونی هیچ فوتی ثبت نشد و این امر حاصل تلاش مدیریتی در عرصه امداد و نجات و سلامت مردم بود.

جلسات مجلس دوباره مجازی شد!

عباس گودرزی، سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: امروز یکشنبه ۲۸ تیرماه، جلسه هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی با حضور رئیس مجلس و سایر اعضا تشکیل شد. وی افزود: جلسه صحن علنی مجلس شورای اسلامی، سه‌شنبه هفته جاری در بستر فضای مجازی برگزار خواهد شد. سخنگوی هیئت رئیسه مجلس عنوان کرد: جلسات دیگری نیز پیش‌بینی شده است که به نحو مقتضی در زمان و مکان مشخص برگزار و نتیجه آن متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد.

بهارستان

نامه نمایندگان به مسئولان برای برخورد قاطع با عاملان جنایت علیه کشور

حسین صمصامی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی از ارسال نامه جمعی از نمایندگان به مقامات لشکری و کشوری خبر داد. وی با بیان اینکه ۶۹ تن از نمایندگان این نامه را امضا کرده‌اند، گفت: نمایندگان در این نامه خواستار برخورد عاملان جنایت بر علیه مقامات و مردم مظلوم کشور، شده‌اند. نماینده تهران در مجلس گفت که نمایندگان در این نامه خطاب به مقامات کشوری و لشکری عنوان کردند که پرونده کیفرخواست علیه ترامپ و عاملان جنایت بر علیه مقامات و مردم مظلوم کشور تشکیل شود؛ همچنین دارایی ترامپ و همدستان وی شناسایی و توقیف شود و یا این اموال در بانک اهداف نظامی و امنیتی قرار گیرد. صمصامی گفت: همچنین نمایندگان در این نامه خواستار حذف سران تروریست، شده‌اند.



یادداشت

چرا عراقچی، کاهش ذخایر نفتی آمریکا را به عنوان دستاورد لحاظ نمی‌کند؟

سید مرتضی موسوی نژاد
کارشناس سیاسی

دیروز مصاحبه جناب آقای عراقچی در برنامه ماجرای جنگ منتشر شد. این مصاحبه از جهات مختلف قابل بررسی است، ولی به نظر می‌رسد مهمترین بخش آن تبلیغ وزیر امور خارجه برای آتش‌بس زودتر از آنچه اتفاق افتاد در جنگ تحمیلی سوم بود. آنچه که احتمالاً برای آتش‌بس در دور جدید تبلیغ می‌شود.

در بخشی از این مصاحبه عراقچی در حال تبیین این موضوع است که اگر هفته دوم یا سوم جنگ تمام می‌شد، ما تمام دستاوردهای لازم را به دست می‌آوردیم. در این بخش از مصاحبه، این نکته مهم نهفته است که نظر دولت یا حداقل وزارت خارجه، آتش‌بس در هفته دوم و سوم جنگ بوده است نه آن روزی که آتش‌بس شده است. با این جملات مسئولیت ادامه جنگ و خسارات وارده را به صورت غیرمستقیم بردوش رهبر انقلاب می‌اندازد. نکته دوم اینکه وی، کاهش ذخایر نفت آمریکا را یک دستاورد برای جنگ نمی‌داند. احتمالاً به دو دلیل این خطای محاسباتی صورت گرفته است.

یکی به این دلیل که اصولاً مجموعه وزارت خارجه، مدیریت تنگه به صورت فعلی با حفظ توقف ایران را از گذشته دور قبول نداشته است. دوم اینکه عده‌ای دست‌انکار در اداره کشور معتقدند که ما نباید ترامپ را در گوشه رینگ قرار بدهیم تا وحشتی‌تر از امروز شود و از بمب اتم استفاده کند. این در حالی است که کارشناسان دلسوز و انقلابی معتقدند که تنها راه جلوگیری جنگ دوباره و صلح از موضع قدرت، پایین نگه داشتن ذخایر نفتی آمریکاست تا به فکر جنگ دوباره نیفتد.

حالا این فرض را باید در نظر گرفت که ایران، این شرایط فوق‌العاده (سه ماه مانده به انتخابات آمریکا) را از دست بدهد و پس از پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات کنگره (حفظ هر دو مجلس یا حداقل سنا)، فرصت دو ساله به ترامپ برای حمله نهایی و عدم نگرانی از شکست در انتخابات پیش‌رو را به وی بدهیم.

آن زمان او با ما چه خواهد کرد؟

به نکته مهم نیز باید توجه داشت که کاهش هفتگی سه میلیونی ذخایر آمریکا تا انتخابات این کشور، دردی از ما را دوا نمی‌کند و باید با کاهش میانگین ده میلیونی در هفته، ضربه اساسی به میزان ذخایر نفتی دشمن در آستانه انتخابات زد. این میسر نمی‌شود مگر با بسته نگه داشتن تنگه از اکنون تا انتخابات این کشور. فراموش نکنیم با توجه به اینکه در ایام اجرای نیم‌بند تفاهم‌نامه به سود آمریکا، تا حدودی نفتکش از تنگه هرمز رد شده است، که او را تا یک ماه از کاهش‌های ده میلیونی مصون نگه دارد.

به همین دلیل است که دشمن لشکر رسانه‌ای خود را بسیج کرده است تا فریاد صلح (بخوانید ادامه جنگ‌های مقطعی تا آسیب هرچه بیشتر کشور) بکشند و علت نقض صلح را پرتاب موشک به نفتکش‌های عبوری دشمن اعلام کنند.

سطور بالا تا حدودی توضیح این مهم است که عراقچی گفت دشمن تلاش می‌کند در تصمیم‌گیری‌های کلان اثر بگذارد و رهبر انقلاب از آن با عنوان «خطای محاسباتی مسئولان» یاد کردند.

انتشار محتوای خلاف امنیت ملی می‌تواند مشمول قانون «تشدید مجازات جاسوسی» شود

دائم از خدمات دولتی و عمومی باشد. مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی، مجازات تعزیری درجه سه شامل بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال حبس است و جزای نقدی مقرر برای این درجه نیز بیش از ۳۶۰ میلیون تا ۵۵۰ میلیون ریال تعیین شده است. همچنین براساس همین قانون، ارسال فیلم، تصویر یا اطلاعات به شبکه‌ها، انسان‌رسانه‌ها یا صفحات مجازی بیگانه در صورتی که برخلاف امنیت ملی باشد و نیز ارسال این موارد برای شبکه‌ها یا صفحات مجازی معاند، چنانچه مشمول مجازات شدیدتری نباشد، براساس نوع اطلاعات یا تصاویر یا فیلم‌ها می‌تواند مجازات حبس تعزیری درجه پنج و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی را در پی داشته باشد.

مرجع قضایی، ممکن است مشمول مقررات «قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشور های متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» شوند. براساس بند (۴) این قانون، هرگونه اقدام یا همکاری در انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغی، ایجاد یا انعکاس خسارت صنعتی، تهیه یا انتشار اخبار کذب یا هر نوع محتوایی که نوعاً موجب ایجاد رعب و وحشت عمومی یا برخلاف امنیت ملی باشد، چنانچه مشمول مجازات افساد فی الارض نباشد، بنا به تشخیص دادگاه می‌تواند مستوجب حبس تعزیری درجه سه و انفصال



قوه قضائیه اعلام کرد: همزمان با تداوم تجاوزات و اقدامات خصمانه دشمن جنایتکار آمریکایی-صهیونی علیه کشور، مطالب، تصاویر یا ویدئوهای منتشر شده است که در صورت احراز شرایط قانونی و تشخیص

سخنان وزیر امور خارجه در یک برنامه مشکوک اینترنتی، فاصله دستگاه دیپلماسی با واقعیات جنگ و مذاکره را نشان داد

جهان موازی عراقچی

مصاحبه اخیر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، حاوی نکاتی مهم درباره چرایی آغاز جنگ، نقش مذاکرات، غافلگیری ایران و تصمیم به پذیرش آتش‌بس است؛ نکاتی که در کنار برخی واقعیت‌های تلخ، پرسش‌های جدی درباره عملکرد دستگاه دیپلماسی و تصمیمات اتخاذ شده در سال‌های اخیر ایجاد می‌کند. از یک سو، عراقچی از محاسبه دشمن درباره تضعیف بازدارندگی منطقه‌ای ایران سخن می‌گوید و از سوی دیگر، مذاکره را راهی برای جلوگیری از جنگ معرفی می‌کند؛ در حالی که ایران در میانه مذاکرات هدف حمله قرار گرفت. مهم‌تر از همه، این پرسش باقی است که چرا تجربه‌های تلخ گذشته هنوز به تغییر محاسبات دیپلماتیک منجر نشده است؟

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگاربرای حمله و غافلگیری ایران
بوده است.

ضمن اینکه به یاد داریم رهبر شهید انقلاب در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، هنگامی که ایران را به مذاکره

یا جنگ تهدید می‌کردند، فرمودند: «مذاکره نمی‌کنیم و جنگ هم نمی‌شود»؛ که دقیقاً همین طور شد.

بنابراین مذاکره مانع جنگ نیست و دیدیم که دومرتبه در میانه مذاکرات به ایران حمله شد.

از سوی دیگر، عراقچی اذعان می‌کند که در جلسات به برخی مسئولین اعلام کرده است: «اگر شما فکر می‌کنید مذاکرات فریب است، مراقب باشید فریب نخورید و غافلگیر نشوید.»

باید از آقای عراقچی پرسید چنانچه این باور واقعاً وجود داشته است، چرا روز شنبه ۹

اسفند چند جلسه مهم در بیت رهبر شهید برگزار شد و به فرموده رهبر معظم انقلاب، رهبر شهید و خانواده ایشان با غافلگیری به شهادت رسیدند؟ چگونه می‌شود نام این اتفاق را غافلگیری گذاشت؟

در بخش دیگری از این گفت‌وگو، عباس عراقچی اذعان می‌کند که جنگ با ما شکست کامل یکی از طرفین و با ما مذاکره به پایان می‌رسد و وقتی دست برتر را داریم و توان نابودی کامل آمریکا را نداریم باید با مذاکره جنگ را به پایان برسانیم.

ظاهراً عباس عراقچی تفاوت میان «دست بالاتر در یک مقطع» و «تثبیت قطعی دست بالاتر» را درک نمی‌کند. وقتی طرف

مقابل برای یک جنگ چندروزه آمده بود و پس از چند روز موازنه تغییر کرد و تازه فشار اقتصادی در حال افزایش بر آمریکا و متحدانش بود، با پذیرفتن آتش‌بس و تفاهم‌نامه، آمریکا از پرداخت هزینه‌ای

هنگفت فرار کرد. چنان که دیدیم، دوباره به ایران حمله شد؛ چرا که آن دست بالاتر در جنگ تثبیت نشده بود.

اما مهم‌ترین بخش صحبت عراقچی جایی بود که گفت اگر زودتر آتش‌بس را پذیرفته بودیم، هم دستاوردهایمان را حفظ کرده بودیم و هم برخی زیرساخت‌ها، مانند فولاد و عسلویه، را از دست نمی‌دادیم و حتی علی‌لاریجانی و اسماعیل خطیب‌نیز شهید نمی‌شدند.

این تصور بسیار دردناک همچنان در دستگاه دیپلماسی ایران وجود دارد که پذیرفتن آتش‌بس از دارایی‌های ایران حفاظت خواهد کرد. باید از آقای عراقچی پرسید که با این منطق، می‌بایست پس از آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه از شهادت رهبر انقلاب جلوگیری می‌شد. مگر به زعم شما ما پیروز جنگ ۱۲ روزه نشدیم و به موقع هم آتش‌بس را نپذیرفتیم؟ پس چرا در جنگ بعدی بلافاصله رهبر انقلاب را از دست دادیم؟ یا مگر با آمریکا تفاهم‌نامه امضا نکردیم؟ پیش از آنکه یک ماه از عمر تفاهم‌نامه بگذرد، دست آمریکا مجدداً به خون مردم ما آغشته شد و حتی خیلی راحت‌تر جنگ زیرساختی را آغاز کردند. در نهایت آنچه از مصاحبه عراقچی استنباط می‌شود این است که دستگاه دیپلماسی دولت پزشک‌پس را حتی سه جنگ طی یکسال نیز بیدار نکرده و موجب عبرت آن‌ها نشده است که این موضوع حتی از جنگ‌های یکسال اخیر برای کشور خطرناک‌تر و هزینه‌سازتر است.

بازی با امنیت ملی
بخاطر چند لایک
بیشتر

برنامه اینترنتی ماجرای جنگ با اجرای جواد مگوینی پس از جنگ ۱۲ روزه نخست در تلویزیون و سپس در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. نکته قابل توجه در خصوص این برنامه، ارائه گسترده و بی‌پروای اطلاعات امنیتی و جنگی بود؛ رویکردی که در سری دوم این برنامه هم دنبال شد. در برنامه اخیر ماجرای جنگ که با حضور عباس عراقچی وزیر امور خارجه منتشر شده است، مجدداً این آسیب در ابعدی عمیق‌تر قابل مشاهده است. آنجاکه مجری برنامه به صراحت از موقعیت و مکان تونل‌های نظامی در تهران و تردد فرماندهان نیروهای مسلح در آن می‌گوید و حتی وقتی عراقچی از بیان جزئیات این امر استنکاف می‌ورزد، مجری برنامه به خصوص بیشتری در خصوص تجهیزات قرار داده شده در تونل‌ها خبر می‌دهد.

ایران در یک ماه ۶ میلیارد دلار نفت فروخت



روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال با استناد به داده‌های تحلیلی و اظهارات کارشناسان در گزارشی نوشت: ایران از پنجره کوتاه مدت آتش بس با آمریکا برای افزایش چشمگیر صادرات نفت خود به چین استفاده کرده است. براساس این گزارش، ایران در فاصله زمانی اواسط خرداد تا اواسط تیرماه امسال، موفق شده نزدیک به ۷۰ میلیون بشکه نفت به ارزش حدود ۵ تا ۶ میلیارد دلار را روانه بازارهای آسیایی کند. منابع مطلع به این روزنامه آمریکایی گفته‌اند که در اواخر خردادماه، حدود ۲۰ نفتکش ایرانی در آب‌های ساحل شرقی مالزی پهلو گرفتند. این منطقه که به عنوان یک نقطه ترانزیت شناخته می‌شود، فاصله‌ای تقریباً مساوی با مسیر ایران تا چین دارد و سال‌هاست که توسط ایران برای انتقال محموله‌های نفتی خود استفاده می‌شود. از جمله این نفتکش‌ها می‌توان به

کشتی‌های دیونا، هیرو ۲، سونیا ۱ و استریم اشاره کرد که آخرین آن‌ها در ۲۲ تیرماه به این منطقه رسیده است. تحلیلگران وال استریت تأکید کردند که مقصد نهایی این محموله‌های عظیم نفتی، پالایشگاه‌های خصوصی کوچک چین است که اصطلاحاً پالایشگاه‌های قوری نامیده می‌شوند. این پالایشگاه‌ها نفت ایران را با قیمت‌های تخفیف‌دار خریداری می‌کنند و یکی از اصلی‌ترین مشتریان نفتی ایران در دوران تحریم‌ها محسوب می‌شوند. طبق نوشته وال استریت ژورنال، روش کار ایران نیز تغییری نکرده و همان استراتژی قدیمی دور زدن تحریم‌هاست. به این صورت که نفتکش‌های ایرانی نفت را به منطقه‌ای در خارج از آب‌های سرزمینی مالزی می‌برند و در آنجا با استفاده از شلنگ‌های عظیم، محموله را در دریا به نفتکش‌های دیگر

منتقل می‌کنند. سپس این نفتکش‌های جدید، بار را به مقصد نهایی، یعنی پالایشگاه‌های چینی، حمل می‌کنند. این اقدام، رهگیری و شناسایی محموله‌های نفتی ایران را برای مقامات آمریکایی دشوار می‌سازد. براساس این گزارش، ایران پس از امضای توافق موقت با آمریکا در ۲۷ خردادماه و برداشته شدن محاصره دریایی، بلافاصله نفتکش‌های بارگیری‌شده در بندر چابهار را به سمت آسیا گسیل کرد. تنها در نیمه دوم خردادماه، ایران حدود ۵۰ میلیون بشکه نفت صادر کرد که تقریباً معادل یک ماه صادرات نفت ایران به چین در دوران قبل از جنگ است. به نوشته وال استریت، آمریکا در ۱۷ تیرماه، مجوزی را که در خردادماه برای تسهیل تحریم‌های نفتی ایران صادر کرده بود، لغو کرد و بار دیگر محاصره تنگه هرمز را برقرار ساخت.

آل اسحاق در گفت‌وگو با نوبنیاد:

اقتصاد ایران هنوز با شرایط عادی اداره نمی‌شود

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق با تأکید بر اینکه اقتصاد ایران هنوز با منطق اقتصادی جنگی اداره نمی‌شود، هشدار می‌دهد که ادامه مدیریت عادی در شرایط جنگ، می‌تواند کشور را در برابر شوک‌های اقتصادی آسیب‌پذیرتر کند. به گفته او، مدیریت کنونی شورمان نه در وضعیت جنگ تمام‌عیار است و نه در شرایط عادی؛ از این‌رو باید از هم‌اکنون با آماده‌سازی زیرساخت‌های تولید، توزیع، ارز و بودجه، برای سناریوی اقتصاد جنگی آماده شود.

مناسب است. البته قرار نیست همه امور کشور جنگی شود یا همه امکانات در انحصار جنگ قرار گیرد، اما باید به تدریج مقدمات لازم را فراهم کنیم. زنجیره‌های تولید، نظام توزیع، نظام قیمت‌گذاری، ذخیره‌سازی و تدارکات کشور باید با این فرض برنامه‌ریزی شوند که ممکن است با شرایط جنگی مواجه شویم و بنابراین باید آمادگی کامل داشته باشیم. رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق در ادامه افزود: این آمادگی نیازمند تشکیلات مشخص، الگوی مدیریتی ویژه، تخصیص مناسب منابع و هماهنگی میان بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و مجموعه فرماندهی جنگ است. همچنین باید شرایط روانی جامعه نیز برای چنین وضعیتی آماده شود. به نظر من، باید با این فرض برنامه‌ریزی کنیم که احتمال وقوع جنگ جدی است و لازم است زیرساخت‌های اقتصاد جنگی از هم‌اکنون آماده شوند.

او درباره راهکار کنترل نوسانات نرخ ارز نیز گفت: این موضوع هم بخشی از مدیریت اقتصاد جنگی است. در چنین شرایطی، هم منابع ارزی شکل متفاوتی پیدا می‌کند، هم مصارف ارزی تغییر می‌کند و هم محدودیت‌های فراوانی ایجاد می‌شود. بنابراین سیاست ارزی نیز باید متناسب با این شرایط تنظیم شود. در اقتصاد جنگی، دیگر عرضه و تقاضای بازار به تنهایی تعیین‌کننده نرخ ارز نیست، بلکه ملاحظات مدیریت جنگ در اولویت قرار می‌گیرد. آل اسحاق در پاسخ به این سؤال که آیا بانک مرکزی اکنون چنین رویکردی را دنبال می‌کند، تصریح کرد: نه فقط بانک مرکزی، بلکه کل کشور هنوز خود را برای اقتصاد جنگی آماده نکرده است.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق درباره نقش دلار در اقتصاد ایران، گفت: کاهش وابستگی اقتصاد ایران به دلار باید در دستور کار دولت و بانک مرکزی قرار بگیرد یا این حال این موضوع فقط به بانک مرکزی بر نمی‌گردد. کل اقتصاد کشور باید به سمتی حرکت کند که میزان تولید داخلی افزایش یابد و الگوی مصرف با ظرفیت تولید داخل هماهنگ شود. بانک مرکزی تنها یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری است و نمی‌توان همه بار را بردوش آن گذاشت. برای کاهش وابستگی به دلار، باید تولید، تجارت، واردات، انضباط اقتصادی و نگاه سیاست‌گذاران به اقتصاد، همگی اصلاح شوند.

داد: اگر کارخانه‌ای قرار باشد لاستیک تولید کند، اولویت با لاستیک مورد نیاز ناوگان جنگی است. اگر قرار باشد سرمایه‌گذاری یا اجرای پروژه‌های عمرانی انجام شود، جهت‌گیری آن براساس نیازهای جنگ خواهد بود. اگر روابط تجاری با سیاسی برقرار شود، با اولویت‌های فرماندهی جنگ انجام می‌شود. یعنی هر تصمیمی در هر حوزه‌ای، با جهت‌دهی و موافقت فرماندهی جنگ اتخاذ می‌شود. بنابراین، اقتصاد جنگی شاخص‌های مشخص و ویژه خود را دارد.

وزیر اسبق بازرگانی در پاسخ به این پرسش که آیا اکنون اقتصاد ایران با محوریت جنگ اداره می‌شود؟ گفت: پاسخ صریح این است که خیر؛ هنوز نه مسئولان کشور با شاخص‌های واقعی اقتصاد جنگی وارد این فضا شده‌اند و نه جامعه در چنین شرایطی قرار گرفته است. ما تلاش می‌کنیم، با وجود اینکه جنگ عملاً آغاز شده و دیگر صرفاً در حد تهدید نیست، فضای اقتصادی کشور را همچنان در شرایط عادی نگه داریم.

وی بیان کرد: در حوزه رفاه مردم، تأمین معیشت، اولویت‌های سرمایه‌گذاری و خدمات، همچنان نمی‌خواهیم فضای جنگ را وارد زندگی روزمره مردم کنیم. به همین دلیل، تعارضی که امروز مشاهده می‌شود از همین جا ناشی می‌شود؛ شرایط حاکم از نظرامنیتی و نظامی، شرایط جنگی است، اما مدیریت اقتصادی همچنان با منطق شرایط عادی اداره می‌شود. آل اسحاق با هشدار نسبت به افراط و تفریط در این زمینه تأکید کرد: از سوی دیگر، اگر هم فضای کشور را کاملاً جنگی کنیم و هیجانات جنگی ایجاد کنیم، در حالی که هنوز جنگ تمام‌عیار شکل نگرفته باشد، آن هم آسیب‌زا خواهد بود. در این صورت، امکان‌ها دشوار به جای آنکه در مسیر رشد و توسعه قرار گیرد، صرف اداره جنگ می‌شود. تشخیص این نقطه تعادل، نیازمند جسارت و تصمیم‌گیری متناسب با اقتضائات زمان و مکان است. به نظر من، ما نه در وضعیت جنگ تمام‌عیار قرار داریم و نه در شرایط کاملاً عادی.

کنترل بازار ارز در شرایط جنگی

عضو اتاق بازرگانی خاطرنشان کرد: دورنمای پیش‌رو این است که باید خود را برای شرایط جنگی آماده کنیم. این، اتفاقاً یک فرصت



نیماسهیلی

روزنامه‌نگار

کشورمان طی یک سال گذشته دو جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه رمضان را تجربه کرده است. اقتصادی که طی ۴ دهه گذشته و به خصوص از اواخر دهه ۱۳۸۰ شمسی تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار گرفت. با این حال بسیاری از کارشناسان بر این باورند که شیوه مدیریت کنونی اقتصادی کشور همچنان با منطق روزهای عادی پیش می‌رود. این در حالی است که به اعتقاد آنها، شرایط کنونی نیازمند تصمیم‌گیری‌های متفاوت و مبتنی بر اولویت‌بندی دقیق منابع است. از نگاه کارشناسان، اگر اقتصاد کشور با واقعیت‌های تازه هماهنگ نشود، شکاف میان سیاست‌گذاری و میدان عمل می‌تواند به تشدید بی‌ثباتی، افزایش فشار بر مردم و کاهش توان تاب‌آوری اقتصاد منجر شود. این در حالی است که هنوز نشانه‌ای از استقرار «اقتصاد جنگی» در نظام تصمیم‌گیری کشور دیده نمی‌شود.

الگوی مدیریتی اقتصاد جنگی

یحیی آل اسحاق رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق و وزیر اسبق بازرگانی در گفت‌وگو با نوبنیاد، ضمن تشریح ویژگی‌های اقتصاد جنگی، اظهار کرد: مدیریت اقتصادی کشور هنوز متناسب با شرایط جنگی تغییر نکرده و میان واقعیت‌ها و شیوه اداره اقتصاد، نوعی ناهماهنگی و تعارض وجود دارد. اقتصاد جنگی اساساً یک نظام، یک الگوی مدیریتی و یک شیوه اداره اقتصاد است که در همه کشورهای درگیر جنگ وجود دارد. او افزود: وقتی کشوری وارد جنگ می‌شود، همه روابط حقوقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن با محوریت و اولویت جنگ تنظیم می‌شود.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق تأکید کرد: علاوه بر مسائل صرفاً نظامی، تأثیرگذارترین موضوع در جنگ، اقتصاد است. در همه الگوهای مدیریت اقتصاد جنگ، تمام منابع اقتصادی کشور با اولویت تأمین نیازهای جنگ ساماندهی می‌شود. آل اسحاق توضیح

جنگ و سیاست‌های اقتصادی

اقتصاد جنگی مفهومی فراتر از افزایش هزینه‌های دفاعی یا محدودیت‌های ناشی از جنگ است؛ در این الگو، همه سیاست‌های اقتصادی، از تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری گرفته تا تجارت، تولید، نظام توزیع و بازار ارز، در خدمت اولویت‌های جنگ قرار می‌گیرد. اما آیا اقتصاد ایران امروز با چنین منطقی اداره می‌شود؟

تالار شیشه‌ای

خروج پول از بورس ادامه دارد

بازار سهام دیروز (یکشنبه، ۲۸ تیر ۱۴۰۵) را در ادامه روزهای گذشته با فشار فروش و منفی آغاز کرد و این روند تا پایان معاملات ادامه داشت. شاخص کل بورس تهران به عنوان نمابر بازار با کاهش ۰.۴۶ درصدی، در کانال ۴.۷ میلیون واحد ماند. در آغاز معاملات، بیش از ۷۰ درصد نمادهای معاملاتی با افت قیمت همراه شدند، اما در پایان معاملات این میزان به ۵۵ درصد کاهش یافت و ۴۵ درصد نمادها سبزپوش شدند. حقیقی‌ها در دومین روز هفته، در ادامه ۷ روز معاملاتی گذشته، از بازار سهام پول خارج کردند. دیروز ۲۷۲۶ میلیارد تومان پول از چرخه سهام و صندوق‌های سهامی بیرون رفت. در معاملات روز گذشته، بیشترین ورود پول حقیقی به تولید فلزات گران‌بهای غیرآهن، کانی‌های فلزی و نرم‌افزار و خدمات اختصاص یافت. براساس داده‌های سازمان بورس، ارزش کل معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی و پایانی (TAL) به ۲۷ هزار و ۲۱۹ میلیارد تومان رسید. در جریان معاملات دیروز، هم‌زمان با کاهش نمادهای بازار سهام، شاخص صنایع فعال بورس نیز به‌طور میانگین افت ۰.۲۴ درصدی را تجربه کرد. با این حال، منحنی شاخص ۱۸ صنعت با رشد همراه شد و صنایع انتشار و چاپ، خرده‌فروشی و منسوجات بیشترین افزایش روزانه را به ثبت رساندند. در سوی دیگر، صنایع خودرو و ساخت قطعات، سایر معادن و استخراج نفت بیشترین کاهش روزانه را تجربه کردند.

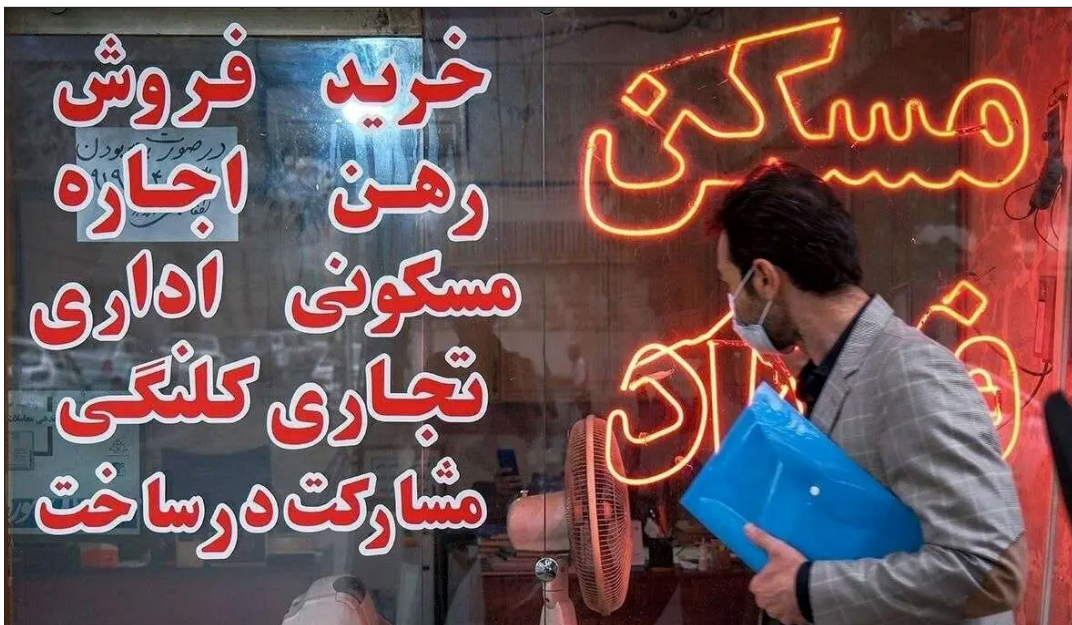
شاخص کل بورس در آغاز معاملات تا ۴۰ هزار واحد (۰.۸۵ درصد) افت کرد، اما در ادامه فشار فروشندگان کاهش یافت و بسیاری از صف‌های فروش جمع شد. با این حال، شاخص کل بورس تهران با افت ۲۱ هزار و ۷۹۶ واحدی (۰.۴۶ درصدی) به محدوده ۴ میلیون و ۷۵۵ هزار و ۴۸۷ واحد رسید. شاخص هم‌وزن ۱۰۲۳ واحد (۰.۳۵ درصد) کاهش یافت و در ارتفاع یک میلیون و ۳۰۱ هزار و ۵۰۰ واحد ایستاد. شاخص کل فرابورس ایران با کاهش ۲۱ واحدی (۰.۵۶ درصد) در محدوده ۳۷ هزار و ۲۹۳ واحد قرار گرفت. صندوق‌های طلا پس از سه روز متوالی روند صعودی، دیروز در محدوده ۲ تا ۴ درصد منفی و صندوق‌های نقره با افت ۲ تا ۴ درصدی معامله شدند. صندوق‌های طلا و نقره در معاملات روز گذشته روند متفاوتی را از نظر جریان نقدینگی تجربه کردند. ورود پول حقیقی به صندوق‌های طلا پس از پنج روز متوالی منفی، با خروج ۸۸۵ میلیارد تومان توسط حقیقی‌ها همراه شد. در مقابل، صندوق‌های نقره برای بیست و دومین روز متوالی با ورود پول حقیقی همراه شدند، به‌طوری‌که حقیقی‌ها ۲۰۳ میلیارد تومان پول به این صندوق‌ها وارد کردند.

مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش داد؛

نسخه آمریکایی برای «پول رهن خانه» ایرانی

مرکز پژوهش‌های مجلس با مقایسه تجربه آمریکا در بازار اجاره مسکن، از ضرورت بازتعریف پول پیش خانه (رهن) در ایران می‌گوید. این گزارش هشدار می‌دهد که هزینه مسکن برای بسیاری از شهروندان ایرانی به سطحی

کمرشکن رسیده و ودیعه‌های سنگین، امنیت سکونت مستأجران را تهدید می‌کند. به نظر پژوهشگران، تعیین سقف، نگهداری امن ودیعه و بازگشت سریع آن می‌تواند از فشار بر خانوارها بکاهد و بازار اجاره را سامان دهد.



نیماسهیلی

روزنامه نگار

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی تازه، با بررسی تجربه ایالات متحده در تنظیم گری «ودیعه مسکن»، از ضرورت بازتعریف «پول پیش» در ایران سخن گفته و هشدار داده است که سهم هزینه مسکن برای شهروندان ایرانی از مرز «کمرشکن» عبور کرده؛ وضعیتی که امنیت سکونتی میلیون‌ها مستأجر را تهدید می‌کند. بر اساس این گزارش، در بسیاری از ایالت‌های آمریکا سقف ودیعه بین یک تا دو برابر اجاره ماهانه تعیین شده، ودیعه باید در حساب جداگانه نگهداری شود و حتی سود آن نیز به مستأجر تعلق می‌گیرد.

در شرایطی که بازار اجاره‌بها در ایران با التهاب و سردرگمی مواجه است و مبالغ گزاف ودیعه زندگی میلیون‌ها خانوار را مختل کرده، مرکز پژوهش‌های مجلس با نگاهی نو، به بررسی تجربه کشوری پرداخته که شاید کمتر کسی آن را الگوی تنظیم گری بداند: ایالات متحده آمریکا. گزارشی که به تازگی منتشر شده، نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج از بازار آزاد آمریکا، ۴۷ درصد از جمعیت این کشور (۲۵ ایالت) تحت قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای کنترل ودیعه مسکن زندگی می‌کنند؛ قوانینی که می‌تواند چراغ راهی برای سیاست‌گذاران ایرانی باشد.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، سال ۱۴۰۲ نخستین سالی بود که متوسط هزینه تأمین مسکن استیجاری در مناطق شهری کشور به آستانه‌ای رسید که در اسناد بین‌المللی «هزینه کمرشکن» نامیده می‌شود؛ یعنی بیش از ۴۰ درصد درآمد خانوار صرف مسکن شده است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس این وضعیت را «زنگ خطر جدی» توصیف می‌کند که نیازمند پاسخی فزاینده از سیاست‌های مقطعی است. نویسندگان گزارش معتقدند یکی از عوامل تشدید فشار بر مستأجران، فقدان تنظیم‌گری مؤثر بر ودیعه مسکن است. در قوانین فعلی ایران، ودیعه به گاه به عنوان «قرض الحسنه»، گاه «تضمین» و گاه «وجه تعهدآور» تعریف شده و همین ابهام، زمینه استفاده نامحدود از منابع مالی مستأجران را فراهم کرده است.

ودیعه، ابزار انتقال ثروت به موجر

ودیعه مسکن به دلیل تأثیر مستقیم بر پس‌انداز، ثروت و امنیت سکونتی خانوارها اهمیت ویژه‌ای یافته است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید می‌کند که

ودیعه بخشی از دارایی مستأجران است و اگر بدون تنظیم‌گری رها شود، می‌تواند به ابزاری برای انتقال ثروت از مستأجر به موجر تبدیل شود.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های ایران و آمریکا در تعریف ماهیت ودیعه است. در اکثر ایالت‌های آمریکا، ودیعه صراحتاً به عنوان «تضمین اجرای قرارداد» تعریف می‌شود و نه بخشی از اجاره یا وام. این تعریف باعث می‌شود موجر نتواند از پول مستأجر برای تأمین مالی شخصی استفاده کند و ودیعه صرفاً برای پوشش تعهدات مشخص به کار رود. این گزارش، پنج محور اصلی تنظیم‌گری ودیعه در آمریکا را تعریف دقیق ماهیت ودیعه، تعیین سقف مجاز دریافت و افزایش آن، الزام به نگهداری در حساب جداگانه و پرداخت سود، محدود کردن دلایل برداشت از ودیعه و تعیین مهلت قانونی و جرائم بازپرداخت عنوان کرده است. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌ها، این ابزارها به هدف ایجاد تعادل قدرت میان موجر و مستأجر طراحی شده‌اند.

سه ماه اجاره؛ سقف ودیعه در ۲۵ ایالت

یافته‌ای که بیش از همه جلب توجه می‌کند، سقف‌گذاری بر ودیعه است. طبق گزارش، ۲۵ ایالت آمریکا به همراه واشنگتن دی‌سی در این زمینه قانون‌گذاری کرده‌اند و در اغلب موارد سقف ودیعه بین یک تا سه برابر اجاره ماهانه است. این گزارش تأکید کرد که این سقف‌ها فقط محدودیت عددی نیستند؛ بلکه ابزاری برای جلوگیری از فشار بیش از حد بر مستأجران کم‌درآمد و حفظ توان ورود آنها به بازار اجاره محسوب می‌شوند.

حساب امنی و پرداخت سود

در بخش دیگری از گزارش آمده است که در ۱۹ ایالت آمریکا به همراه واشنگتن دی‌سی، موجر موظف است ودیعه را در حساب بانکی یا امنی جداگانه نگهداری کند تا در صورت ورشکستگی یا بدهی موجر، طلبکاران نتوانند به آن دسترسی پیدا کنند. علاوه بر این، در ۱۴ ایالت و واشنگتن دی‌سی، پرداخت سود به مستأجر الزام قانونی دارد. برای نمونه، در ایالت برلین، موجر باید سالانه حداقل ۱.۵ درصد یا نرخ اعلامی وزارت خزانه‌داری آمریکا را به عنوان سود ودیعه به مستأجر بپردازد.

مرکز پژوهش‌ها این مقررات را نشانه آن می‌داند که قانون‌گذار آمریکایی ودیعه را دارایی مستأجر تلقی می‌کند و هرگونه عایدی حاصل از آن را متعلق به مستأجر می‌داند، نه موجر.

خرید رهن مسکونی اداری تجاری کلنگی مشارکت در ساخت

بازگشت ودیعه؛ حداکثر ۶۰ روز

در آمریکا دلایل برداشت از ودیعه نیز محدود شده است. موجر فقط برای اجاره پرداخت نشده، قبوض معوق، خسارت به ملک و هزینه نظافت نهایی می‌تواند از ودیعه برداشت کند و ودیعه‌های غیرقابل استرداد در بسیاری از ایالت‌ها ممنوع است. همچنین همه ایالت‌ها برای بازگرداندن ودیعه مهلت قانونی تعیین کرده‌اند؛ حداقل ۱۴ روز و حداکثر ۶۰ روز. در صورت تأخیر، موجر باید جریمه نقدی بپردازد و در برخی ایالت‌ها این جریمه تا دو برابر مبلغ ودیعه می‌رسد.

ایران؛ ودیعه یا قرض الحسنه؟

گزارش مجلس می‌گوید مشکل اصلی در ایران، ابهام قانونی درباره ماهیت ودیعه است. قانون روابط موجر و مستأجر و حتی قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها، ودیعه را در کنار مفاهیمی مانند «قرض الحسنه» قرار داده‌اند و همین موضوع باعث شده کارکرد اصلی آن به عنوان تضمین قرارداد کمرنگ شود. به اعتقاد نویسندگان گزارش، نبود سقف مشخص، نبود حساب امنی، عدم الزام به پرداخت سود و نبود ضمانت اجرای مؤثر، زمینه را برای افزایش ودیعه‌های سنگین و فشار بر مستأجران فراهم کرده است.

سه پیشنهاد برای بازتعریف «پول پیش»

مرکز پژوهش‌های مجلس در جمع‌بندی خود سه پیشنهاد اصلی، یعنی تعیین سقف منطقی برای ودیعه، ایجاد سازوکار شفاف و امن برای نگهداری آن، و تضمین بازگشت سریع و عادلانه همراه با جرائم بازدارنده را ارائه کرد. این گزارش تأکید می‌کند که هدف، تقلید کامل از الگوی آمریکایی نیست، بلکه استفاده از منطق طراحی آن برای بازتعریف نقش ودیعه در ایران است؛ به گونه‌ای که ودیعه دوباره به ابزار تضمین قرارداد تبدیل شود، نه ابزاری برای تأمین مالی صاحبخانه. پیام نهایی گزارش روشن است: اگر سیاست‌گذار بخواهد از تشدید بحران اجاره جلوگیری کند، باید «پول پیش» را از یک موضوع صرفاً قراردادی به یک موضوع مهم سیاستی تبدیل کند؛ موضوعی که مستقیماً با رفاه، ثبات سکونتی و آینده اقتصادی میلیون‌ها مستأجر ایرانی گره خورده است.

نبض بازار

دلار ۱۵۰ هزار تومانی

هم صادرکنندگان را راضی نکرد

قیمت انواع ارز در مرکز مبادله ارز و طلا ایران، هم‌زمان با افزایش نرخ دلار در بازار آزاد (غیررسمی) طی روزهای گذشته، افزایش یافت و به بالای ۱۵۰ هزار تومان رسید. بر اساس اعلام بانک مرکزی، قیمت فروش دلار در روز گذشته در مرکز مبادله به ۱۵۰ هزار و ۴۶۲ تومان رسید که از ابتدای سال جاری تاکنون، ۱۳ هزار تومان افزایش را تجربه کرده است. امیرروشن بخش قنبری، معاون سازمان توسعه تجارت، می‌گوید: «اصل بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور، موضوع نادرستی نیست، اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که دولت، صادرکننده ملزم می‌کند ارز خود را با نرخ و شرایطی که دولت تعیین می‌کند بازگرداند که با واقعیت بازار و نرخ‌های غیررسمی اختلاف فاحشی دارد. همین مسئله باعث می‌شود بخش قابل توجهی از سود عملیاتی صادرکنندگان از بین برود.» او تأکید کرد: «اینکه گفته می‌شود میلیارد‌ها دلار ارز به کشور بازنگشته، اظهارنظری دقیق نیست. ارز حاصل از صادرات بازمی‌گردد، اما لزوماً از مسیری که دولت تعیین کرده یا در مرکز مبادله ارز و طلا عرضه نمی‌شود.» با این حال اواخر خردادماه امسال، ذبیح‌الله‌نژاد، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، اعلام کرد که در بررسی‌ها مشخص شده بیش از ۹۴ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات به کشور بازنگشته است که البته بخش زیادی از آن مربوط به شرکت‌های دولتی بوده است.

بانک مرکزی: افزایش سود بانکی دستور نیست

فارس دیروز نوشت: پیگیری‌ها از بانک مرکزی نشان می‌دهد این بانک فعلاً قصدی برای افزایش نرخ سود سپرده و تسهیلات ندارد و هرگونه تصمیم در این زمینه به شرایط اقتصادی و نتایج بررسی‌های کارشناسی وابسته خواهد بود. این در حالی است که بانک مرکزی پیش از این درباره افزایش ۱۰ درصدی نرخ سود اعلام کرده بود همه گزینه‌ها و سناریوهای سیاستی در کمیته‌های تخصصی در حال بررسی است. بانک مرکزی در پاسخ به این سؤال که تقریباً چه زمانی بررسی‌ها تکمیل می‌شود، گفت که زمان مشخصی تعیین نشده و ممکن است این فرآیند ۶ ماه، یک سال یا حتی بیشتر طول بکشد.

آلمان پس از ۸ سال از ایران نفت خرید

مرکز آمار اروپا (یورواستات) از واردات یک محموله بزرگ ۳۲ هزار تنی نفت خام یا فرآورده نفتی ایران توسط آلمان در چهارمین ماه سال جاری میلادی خبر داد. بر اساس این گزارش، آلمان در ماه آوریل ۲۰۲۶ و در میانه درگیری‌ها در تنگه هرمز، ۳۲ هزار و ۷۹۷ تن نفت خام یا فرآورده نفتی از ایران وارد کرده است. این محموله، بزرگ‌ترین محموله وارداتی نفت اتحادیه اروپا از ایران از زمان خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ است. واردات این محموله نفتی از ایران توسط آلمان پس از ۸ سال، بار دیگر نشان داد که اقتصادهای غربی، با وجود محدودیت‌ها و تحریم‌ها، برای تأمین نیازهای خود به ظرفیت‌های انرژی ایران نیازمند هستند. یورواستات پیش‌تر از واردات یک محموله ۶۹ هزار تنی نفت ایران توسط آلمان در مارس ۲۰۲۳ خبر داده بود که البته دولت آلمان آن را تکذیب کرد و مدعی شد این محموله از مکزیک وارد شده که به اشتباه به نام ایران درج شده است. علاوه بر آلمان، لهستان نیز یکی دیگر از اعضای اتحادیه اروپا است که در سال ۲۰۲۶ از ایران واردات نفت داشته است؛ البته حجم نفت وارداتی لهستان از ایران در ۴ ماهه اول ۲۰۲۶ غیرقابل توجه و بالغ بر ۸۰۳ تن بوده است.



واریز ۵.۳
هزار میلیارد
تومان سود به
حساب ۱۷۰ هزار
سهام‌دار

سپرده‌گذاری
مرکزی اوراق بهادار
و تسویه وجوه
اعلام کرد: در
هفته چهارم تیر
۱۸ ناشر ۵ هزار
و ۳۹۵ میلیارد
و ۹۱۱ میلیون
تومان سود نقدی،
سنواتی و حق
تقدم را به حساب
۱۷۰ هزار و ۴۷۸
سهام‌دار از طریق
اطلاعات سامانه
(سجام) واریز
کردند.

بین الملل

ترامپ خودکامه‌ای بی‌اعتنا به حاکمیت قانون است

برنی سندرز، سناتور مستقل ایالت ورمونت روز شنبه به‌تندی از سیاست‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در آستانه برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در ماه نوامبر انتقاد کرده و گفت: «همان‌طور که همه‌ی شما می‌دانید، در سراسر این کشور، از کالیفرنیا تا نیویورک و بسیاری از نقاط دیگر، خانواده‌های کارگر دارند بلند می‌شوند و با صدای بلند و افتخار می‌گویند: "بس است، دیگر بس است." بخش زیادی از این موضوع به مخالفت فزاینده با رئیس‌جمهوری ربط دارد که خودکامه‌ای بی‌اعتقاد به حاکمیت قانون است.»

سندرز در ادامه گفت: «موضوع (رئیس‌جمهور) دزدسالاری است که از زمانی که رئیس‌جمهور شده، ثروت خود و خانواده‌اش را میلیارد‌ها دلار افزایش داده است.»

سندرز افزود: «مخالفتی که در سراسر آمریکا می‌بینیم، فراتر از دونالد ترامپ است. خانواده‌های کارگر در کشور ما به‌طور فزاینده‌ای از سیاست‌های تثبیت خسته شده‌اند. آن‌ها از

همان سیاست‌های قدیمی و تکراری خسته شده‌اند. آن‌ها از زندگی در کشوری خسته شده‌اند که ثروتمندترین کشور در تاریخ جهان است اما ۶۰ درصد از مردم ما با حقوقی که تا آخر ماه دوام نمی‌آورد زندگی می‌کنند، در حالی که طبقه‌ی میلیارد‌ها روزبه‌روز ثروتمندتر می‌شوند.» این سناتور مستقل با اشاره به این که میلیارد‌های یادشده با نفوذ زیادی که دارند رسانه‌ها و احزاب سیاسی را کنترل و بر آن‌ها اعمال نفوذ می‌کنند و این موجب نارضایتی مردم است، گفت: «مردم آمریکا درک می‌کنند که این کشور با بحران‌های عظیمی روبروست و آن‌ها خواهان تغییر، آن هم یک تغییر واقعی، هستند.»



کشته‌های آمریکا تیت‌ریک رسانه‌های غربی

هیمنه آمریکا زیر آتش ایران

رسانه‌های مطرح آمریکایی در حالی از کشته شدن دو نظامی این کشور در حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکا در اردن و ادامه حملات متقابل دو طرف خبر می‌دهند که گزارش‌های آنها از ناتوانی واشنگتن در مهار پاسخ‌های ایران، افزایش تلفات ارتش آمریکا و فرو رفتن کاخ سفید در جنگی فرسایشی حکایت دارد. وضعیتی که فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی بردولت ترامپ را بیش از پیش افزایش داده است.

از انتقال به مراکز درمانی دوباره به محل خدمت بازگشته‌اند.

اما شاید مهم‌ترین اعتراف رسانه‌های آمریکایی مربوط به ارزیابی وضعیت میدانی باشد. نیویورک تایمز در گزارشی جداگانه با عنوان «اردن به کانون جدید جنگ ایران و آمریکا تبدیل شده است» فاش کرد که تنها طی پنج روز، چهار حمله ایران پایگاه‌های آمریکا در اردن را هدف قرار داده است.

به نوشته این روزنامه، این حملات ده‌ها نظامی آمریکایی را زخمی کرده، چندین بالگرد بلک‌هاوک را آسیب زده و نشان داده است ایران همچنان از ذخایر قابل توجه موشکی برخوردار است و حتی توانسته با عبور از سامانه‌های دفاع هوایی آمریکا، ضربات مؤثری وارد کند.

این گزارش تأکید می‌کند که اردن به دلیل انتقال بخشی از نیروها و تجهیزات آمریکا از بحرین، قطر و امارات، به یکی از مهم‌ترین مراکز عملیات ارتش آمریکا در منطقه تبدیل شده و حملات ایران عملاً این راهبرد پنتاگون را با چالش جدی روبه‌رو کرده است.

در همین حال، رسانه‌های آمریکایی اذعان دارند که با وجود تشدید حملات واشنگتن، هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی ایران مشاهده نمی‌شود.

این روزنامه همچنین به نقل از تحلیلگران آمریکایی هشدار داده است که تهدیدهای مکرر ترامپ برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی ایران از جمله نیروگاه‌ها، پل‌ها و شبکه برق، نه تنها تضمینی برای تغییر رفتار تهران ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند از منظر حقوق بین‌الملل مصداق جنایت جنگی تلقی شود.

وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هدف قرار داده است. با این حال، گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهد این حملات نه تنها موجب توقف عملیات ایران نشده، بلکه دامنه پاسخ‌های ایران را نیز افزایش داده است. واشنگتن پست نیز با تأیید کشته شدن دو نظامی آمریکایی نوشت این حملات در حالی رخ داده که آتش بس میان تهران و واشنگتن عملاً فروپاشیده و درگیری‌ها وارد مرحله‌ای تازه شده است.

همزمان وال استریت ژورنال از افزایش قابل توجه شدت تبادل آتش میان دو طرف خبر داد و نوشت ایران با حمله موشکی به پایگاه هوایی آمریکا در اردن، سطح درگیری را به مرحله جدیدی رسانده است. خبرگزاری رویترز نیز ضمن تأیید آغاز دور تازه حملات آمریکا تصریح کرد واشنگتن هشتمین شب متوالی حملات خود علیه ایران را به پایان رسانده، اما همزمان ایران حملات پهنای و موشکی جدیدی را علیه پایگاه‌های آمریکا و متحدانش در منطقه آغاز کرده است. بر اساس این گزارش، کویت، بحرین، اردن و حتی عربستان سعودی نیز در فهرست اهداف حملات ایران قرار گرفته‌اند و سامانه‌های دفاعی برخی کشورهای منطقه برای رهگیری موشک‌ها و پهپادها به کار گرفته شده‌اند، هرچند که در رهگیری تعدادی از موشک‌ها ناموفق بوده‌اند.

ان‌بی‌سی نیز گزارشی داد علاوه بر دو نظامی کشته‌شده، چندین نظامی دیگر آمریکایی زخمی شده‌اند و برخی پس

Two U.S. Troops Were Killed, One Is Missing After Iran Missile Attack in Jordan

U.S. Central Command says it launched fresh strikes on Iranian targets afterward, promising 'swift retaliation'

By Shelby Holliday, Michael R. Gordon and Lara Seligman

Listen (2 min)



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

واشنگتن که در ماه‌های گذشته با تبلیغات گسترده تلاش می‌کرد حملات نظامی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را موفق جلوه دهد، اما اکنون تیت‌ریک تمامی رسانه‌های غربی و آمریکایی به کشته شدن و مفقود شدن سربازان آمریکایی اختصاص داده شده است.

روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد دو نظامی آمریکایی در حمله موشکی و پهپادی ایران به یکی از پایگاه‌های آمریکا در اردن کشته و یک نظامی دیگر نیز مفقود شده است. به نوشته این روزنامه، این نخستین تلفات نیروهای آمریکایی پس از آتش بس موقت فروردین ماه است.

در پی این عملیات، ارتش آمریکا هشتمین شب متوالی حملات خود علیه ایران را آغاز کرد. فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) اعلام کرد تأسیسات پدافند هوایی، سامانه‌های مراقبت ساحلی، انبارهای موشکی و پهپادی و برخی مراکز



شکست روایت کاخ سفید

رسانه‌های جریان اصلی آمریکا برخلاف روایت رسمی کاخ سفید، از افزایش تلفات ارتش این کشور، ناکامی در ایجاد بازدارندگی و گسترش دامنه عملیات ایران خبر می‌دهند؛ تحولاتی که آمریکا را بیش از پیش در باتلاق یک جنگ پرهزینه فرو برده است.

یادداشت

اعتراف پنتاگون به یک شکست بزرگ

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

گزارش اخیر نشریه آمریکایی Responsible Statecraft از وضعیت برنامه‌های پهپادی پنتاگون روایتی از بحران تصمیم‌گیری در بزرگ‌ترین ماشین نظامی جهان است. بحرانی که نشان می‌دهد ارتش آمریکا پس از سال‌ها هزینه‌های نجومی، اکنون در برابر واقعیت‌های جدید میدان نبرد ناچار به عقب‌نشینی شده است.

سال‌ها این گزاره به افکار عمومی جهان القامی شد که برتری نظامی آمریکا بر ستون‌هایی چون جنگنده‌های رادارگریز، بمب افکن‌های راهبردی و سامانه‌های پیچیده و گران‌قیمت استوار است. اما جنگ ۴۰ روزه نشان داد که معادلات جنگ دیگر با منطق دهه‌های گذشته اداره نمی‌شود. پهپاد‌های کوچک، ارزان و قابل تولید انبوه، امروز قادرند هزینه‌هایی را به ارتش‌های بزرگ تحمیل کنند که هیچ سامانه چندصد میلیون دلاری قادر به جبران آن نیست.

نکته قابل تأمل اینجاست که خود پنتاگون نیز به این واقعیت رسیده است. در گزارش آمده که وزارت دفاع آمریکا از یک سو به دنبال تولید انبوه پهپاد‌های ارزان‌تر برای انجام مأموریت‌های تنها جمی است و از سوی دیگر، همزمان صدها میلیون دلار برای توسعه سلاح‌های لیزری هزینه می‌کند تا بتواند پهپاد‌های دشمن را منهدم کند. این تناقض آشکار، چیزی جز بن‌بست نیست. چرخه‌ای که در آن آمریکا برای مقابله با تهدیدی که خود آن را به عنصر اصلی جنگ‌های آینده تبدیل کرده، ناچار به تعریف پروژه‌های جدید و پرهزینه شده است.

اعتراف مهم دیگر گزارش، شکست اقتصادی پروژه‌هایی است که زمانی نماد قدرت آمریکا محسوب می‌شدند. پهپاد MQ-۹ رپی‌ر که سال‌ها به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای عملیات هوایی آمریکا معرفی می‌شد، اکنون به دلیل قیمت بسیار بالا و آسیب‌پذیری در میدان نبرد، دیگر گزینه مطلوب پنتاگون نیست. گزارش تصریح می‌کند که آمریکا در درگیری اخیر با ایران حدود ۳۰ فروند از این پهپادها را از دست داده است. خسارتی نزدیک به یک میلیارد دلار. به همین دلیل، فرماندهان آمریکایی اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که ادامه این مسیر صرفه اقتصادی ندارد و باید به سمت پهپاد‌های ارزان‌تر حرکت کرد.

آمریکا امروز نه با کمبود فناوری، بلکه با بحران راهبرد مواجه است. ارتشی که تا دیروز برتری خود را در تولید سامانه‌های گران‌قیمت جست‌وجو می‌کرد، امروز ناچار است به سمت تولید انبوه تجهیزات ارزان حرکت کند و همزمان میلیارد‌ها دلار برای مقابله با همان تجهیزات هزینه کند. این دور باطل، بیش از هر چیز نشان‌دهنده افول مدلی است که امنیت را نه در کارآمدی، بلکه در افزایش بی‌پایان هزینه‌های نظامی تعریف کرده بود. اعترافی که این بار نه از زبان منتقدان آمریکا، بلکه از دل گزارش‌های خود آمریکایی‌ها شنیده می‌شود.

یادداشت

افتخار به بندهای تشریفاتی،
فراموشی خسارت‌های راهبردیامیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

روایت مسببان تفاهم اسلام‌آباد از چند بند تشریفاتی، بیش از آنکه نشانه قوت توافق باشد، پرده از عمق ساده اندیشی و تحلیل و آگاهی نه چندان هوشمندانه آنان از منطق حقوق و سیاست بین‌الملل برمی‌دارد. یکی از دفاعیات ثابت مسببان و بانیان تفاهم ۱۴ بندی اسلام‌آباد و پیش‌تر برجانی‌ها، هنگام آشکار شدن پوچی و زیان بار بودن این توافقات، اشاره به ادبیات آنها درباره «عدم تهدید»، «احترام به حاکمیت» و «به رسمیت شناختن حقوق» طرفین است. گویی همین چند عبارت کلی و تشریفاتی، می‌تواند خسارت‌های راهبردی و فریب خوردن مذاکره کنندگان در این توافق را جبران کند. عجیب‌تر اینکه آمریکاییان بار حتی چندروز هم به بندهای اول و دوم پایبند نبود و درست چند روز پس از امضای تفاهم نیز، ترامپ و هگستس مجدداً ایران را مورد تهدید قرار دادند و اکنون پس از یک ماه دوباره دور جدید جنگ شروع شد.

عراقچی در گفت‌وگویی جدید می‌گوید: «به نظر من بند اول و دوم این یادداشت تفاهم، از این جهت واقعاً باعث سرفرازی است که ایران و آمریکا به عنوان دو قدرت، مقابل یکدیگر می‌نشینند و متعهد می‌شوند به حاکمیت یکدیگر احترام بگذارند و در امور داخلی یکدیگر دخالت نکنند.» این موضع، یادآور ادعای ظریف درباره «به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی ایران برای نخستین بار در جهان» است.

از اساس، افتخار کردن به چنین بندهایی پوچ است. کافی است به بیانیه ۱۹۸۱ الجزایر نگاه کنیم؛ متنی که از نظر انباشت تعریفات، تضمین‌ها و عبارات فریبنده، در بسیاری موارد از همه توافقات بعدی ایران و آمریکا در ۴۵ سال بعد پرمطراق‌تر بود. نتیجه چه شد؟ ایران در برابر آزادی نیروهای آمریکایی، که آمریکا را در استیصال کامل قرار داد و موجب و در سازوکار فاجعه‌بار دیوان دعاوی ایران و آمریکا گرفتار شد؛ سازوکاری که در عمل، خسارت‌های سنگینی برای ایران تحمیل کرد و پس از آن نیز آمریکا بارها به اقدامات خصمانه خود ادامه داد.

الجزایر، سعدآباد و بروکسل، برجرام و تفاهم اسلام‌آباد، همگی در یک نقطه مشترکند: خالی فروشی دیپلماتیک. در الجزایر، دست پر بازداشت دیپلمات‌های آمریکایی در اختیار ایران بود؛ در برجرام، هزاران سانتریفیوژ، چندین تن اورانیوم و امکان ساخت پلوتونیوم در اراک؛ و در تفاهم اسلام‌آباد، پیروزی راهبردی ایران در ایجاد بحران نفتی و بسته ماندن تنگه هرمز.

اما هر بار، طرف ایرانی به جای حفظ اهرم فشار، با چند عبارت زیبا فریب خورد. بنابراین، اگر امروز همه این تفاهمات را بخشی از یک روند فریب راهبردی آمریکا برای بازسازی توان خود و آماده شدن برای نبرد بعدی می‌دانند، دفاع از آنها با «ادبیات احترام و عدم تهدید» نه نشانه موفقیت، بلکه اعترافی تلخ به عمق ساده‌لوحی مذاکره‌کنندگان است.

دو سال فرصت،
یک کارنامه و
پرسش‌های
بی‌پاسخ

اگر قرار باشد دو سال سکنداری سیدعباس عراقچی بر وزارت امور خارجه را در یک جمله خلاصه کنیم، شاید مناسب‌ترین تعبیر این باشد: مذاکراتی که برای آمریکا کم‌ارزش بود، برای ایران پرهزینه شد و در نهایت به جای تقویت قدرت ملی، بارها از اقتدار نظامی کشور مصرف کرد. اکنون انتشار گفت‌وگویی تازه از وزیر امور خارجه، با موضوعی عجیب درباره چرایی جنگ و ضرورت مذاکره بیشتر و زودتر، فرصتی فراهم کرده است تا نه فقط سخنان اخیر وی، بلکه کارنامه دو ساله او و حتی سابقه‌اش در هدایت مذاکرات پایانی دولت روحانی مورد بازخوانی قرار گیرد.

دیپلماتی که فهمی دقیق از نظریه‌های روابط بین‌الملل ندارد، انتظار تحلیل درست رفتار قدرت‌های بزرگ را داشت. محمدجواد ظریف زمانی نظریه رئالیسم، مهم‌ترین مکتب علم روابط بین‌الملل، را کم‌اهمیت تلقی کرد؛ عراقچی نیز در امتداد همان نسلی قرار دارد که نشان می‌دهد حتی شناخت علمی و دقیق از نظام بین‌الملل، جایگاه قدرت و منطق رفتار دشمن در دستگاه دیپلماسی، به اندازه کافی جدی گرفته نشده است.

مذاکره‌واهی با هیتر آمریکایی

جرج کنان، دیپلمات آمریکایی در شوروی و نویسنده مقاله مشهور «مقاله ایکس»، نماد یک اصل بنیادین در دیپلماسی یعنی قدرت شناخت و تحلیل یک دیپلمات است. دیپلمات پیش از آنکه مذاکره‌کننده باشد، باید واقعیت را بفهمد. چرچیل برخلاف چمبرلین و هالیفاکس فهمید که با هیتر نمی‌توان با امتیاز دادن به صلح رسید. امروز نیز ترامپ، همان‌گونه که جی‌دی ونس در سال ۲۰۱۶ او را «هیتر آمریکایی» خوانده بود، شخصیتی است که نمیتوان به هیچ شکلی با وی و لابی یهودی پرشمار در اطراف وی به تفاهم رسید. دومین انتظار، صراحت و استحکام در موضع‌گیری و کلام یک دیپلمات منتسب به جمهوری اسلامی است؛ حلقه مفقوده ای که همواره مایه ناراحتی ملت ایران بوده و هست و سومین انتظار نیز توانایی آشکار ساختن واقعیت برای متحدان و دوستان کشور و تفهیم صحنه و خطرات آن برای آنان است؛ همانند همان کاری که چرچیل با تفهیم خطر هیتر به آمریکا و ترغیب واشنگتن برای ورود به جنگ اروپا انجام داد.

دو سال گذشته نشان داد که عملکرد عراقچی درست بر مدار برجانی‌ها نه دیپلماسی انقلابی بوده و نه حتی دیپلماسی علمی، آن‌هم به معنای دقیق و حتی غربی روابط بین‌الملل. دیپلماسی واقعی، شناخت قدرت، فهم دشمن، ساختن ائتلاف، حفظ اعتبار و تبدیل قدرت ملی به دستاورد سیاسی است؛ نه صرف کردن اقتدار میدان نبرد برای گرفتن توافقی که دشمن، هر زمان بخواهد، آن را پاره کند.

پافشاری بر خطای راهبردی

که در یکی از بحرانی‌ترین مقاطع تاریخ انقلاب اسلامی، از جنگ و مذاکره تا تحریم و تهدید، بیش از آنکه دستاوردی ملموس به ثبت برساند، با پرسش‌های جدی درباره فهم سیاست خارجی و نسبت دیپلماسی با قدرت ملی روبه‌روست.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

تفاهمی که بسیاری از ناظران بین‌المللی و استادان روابط بین‌الملل در ایران، از جمله در تحلیل‌های واقع‌گرایانه‌ای مانند دیدگاه‌های جان مرشایمر، آن را خطایی راهبردی می‌دانستند. اکنون اما وزیر امور خارجه از دیر شدن همین تفاهم و آتش بس گلایه می‌کند.

دیپلماسی با دستاورد پوچ

عراقچی در گزارش خود نه مواضع درستی در بزنگاه‌های سیاست خارجی دارد، نه دستاورد ملموسی از یک سال و چند ماه مذاکره، و نه نقشی قابل‌اعتنا در حمایت و هم‌راستایی با قدرت نظامی کشور داشته است. برعکس، منتقدان معتقدند دیپلماسی او بارها مصرف‌کننده و حرام‌کننده اقتداری بوده که نظامیان در میدان نبرد با هزینه‌ای سنگین به دست آورده‌اند. حتی برخی دلسوزان معتقدند مواضع نادرست و سیگنال‌های صادرشده از سوی عراقچی، در مقطعی در طول جنگ ۳۹ روزه بیش از اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ، در کنترل قیمت نفت و مهار آثار اقتصادی جنگ به نفع آمریکا اثرگذار بوده است.

اما مسئله فقط شخص عراقچی نیست. او محصول نسلی از دیپلمات‌هاست که هندسه فکری آنان در سایه تلقی‌های نادرست از روابط بین‌الملل، سیاست خارجی و دیپلماسی شکل گرفته است؛ تلقی‌هایی که از دهه ۶۰ در ساختار وزارت امور خارجه تثبیت شد. ساختاری که حتی در دوران جنگ ایران و عراق نیز کارنامه‌ای درخشان نداشت و در چهار دهه اخیر، دیپلماسی را بیش از هر چیز به زبان نرم، ابهام، عقب‌نشینی، پرهیز از صراحت و فاصله گرفتن از ادبیات انقلابی تقلیل داد. تا آنجا که رهبر شهید در دهه ۹۰ خود را «انقلابی» و نه «دیپلمات» معرفی کردند. نتیجه چنین تلقی‌ای، موضعی عجیب و شرم‌آور بود که عراقچی تنها چند روز پیش از ترور رهبر شهید اتخاذ کرد؛ آنجا که از امکان جایگزینی سریع رهبری حتی در صورت ترور سخن گفت.

حداقل انتظار ملت از دستگاه دیپلماسی انقلاب اسلامی و وزارت خارجه جمهوری اسلامی، نخست شناخت درست دشمن و صحنه قدرت است. نمی‌توان از

انتشار گفت‌وگویی جدید از عراقچی با مضمون موفق بودن تفاهم و اشتباه در زودتر نپذیرفتن تفاهم با آمریکا، درست در شبی که رهبری معظم انقلاب به صراحت اظهار داشتند: «تکرار نقض تفاهم‌نامه‌ای که به امضای روسای جمهور ایران و آمریکا رسیده، برای همگان روشن کرده است که امضای رئیس‌جمهور آمریکا «بی‌ارزش و نامعتبر» است.» پرسش‌هایی جدی درباره اصلاح‌پذیر بودن رفتارها و مواضع عراقچی پس از مواضع نسنجیده پی‌در پی وی را به اذهان متبادر می‌سازد.

ترجیع‌بند سخنان و مواضع عراقچی در تمام دوران دوساله سکنداری وی در میدان مشق، از پیش از جنگ ۱۲ روزه تا پیش از جنگ ۴۰ روزه و سپس دوران آتش بس و تفاهمی که آمریکا از آن سو استفاده و سپس آن را نابود کرد، ظاهراً یک چیز بوده است: چرا کمتر مذاکره کردیم؟ چرا زودتر به تفاهم نرسیدیم؟ این در حالی است که مسئله اصلی، کمبود مذاکره نبود؛ مسئله، شناخت نادرست از طرف مقابل و اعتماد به امکان توافق با کسی همچون ترامپ بود که بارها مذاکره را به ابزار فریب و بازسازی توان خود تبدیل کرده بود.

بدتر از این، آن است که در این روایت، علت جنگ نه رفتار تجاوزکارانه آمریکا، نه راهبرد فشار و نه تلاش برای تحمیل اراده سیاسی از طریق قدرت نظامی، بلکه ظاهراً تصورات ساده‌اندیشانه است که بین ترامپ و نتانیاهو قائل به اختلاف هست و براین عقیده است که اگر بیشتر مذاکره می‌کردیم، می‌توانستیم او را با وعده سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران فریب دهیم! درست همانند موضع قنبری معاون اقتصادی عراقچی در روزهای پیش از جنگ ۴۰ روزه داشت.

کارنامه عینی این مذاکرات چیست؟ جنگ ۱۲ روزه، ترور فرماندهان و مسئولین، صدها تحریم بیشتر و سنگین‌تر، فعال شدن مکانیسم ماشه با وجود عقب‌نشینی‌های متعدد در برابر آژانس و دولت‌های غربی، بی‌محلی مکرر اروپا به حسن‌نیت‌های ایران، جنگ ۴۰ روزه و ترور ناباورانه رهبر شهید پس از ۳۷ سال و در نهایت،

اباحه گری در سایه جنگ!

سعید مصباح
روزنامه نگار

ظاهراً پس از آغاز دور جدید درگیری های ایران و آمریکا، برخی از اینفلوئنسرها و سلبریتی ها فرصت را مغتنم شمرده اند تا بدون دردسر قانون شکنی و اباحه گری را ترویج کنند. اخیراً فرشته حسینی، بازیگر افغانستانی-ایرانی، با برگزاری یک رویداد، از برند لباس خود رونمایی کرده است. بدیهی ست که ورود به عرصه های دیگر مسئله ما نیست. آنچه در این رویداد رخ داد و تصاویر آن منتشر شد، مصداق اباحه گری و اقدام غیرشرعی بود که در سایه غفلت و خواب نهاد های ذی ربط اتفاق می افتد. این اتفاق را نمی توان صرفاً یک تخلف فردی در فضای مجازی دانست؛ مسئله اصلی، عادی سازی تدریجی رفتارهایی است که پیش تر آشکارا با ارزش ها و قوانین جامعه در تعارض بود! به نظر می رسد برخی چهره های شناخته شده با این تصور که در شرایط جنگی، افکار عمومی و دستگاه های مسئول درگیر مسائل مهم تری هستند، مرزهای قانونی و اخلاقی را یکی پس از دیگری جابه جا می کنند.

اما این اتفاقات، جدای از مسئله شرعی و قانونی، از منظر دیگری نیز زننده و آزاردهنده است. در شرایطی که مردم ایران درگیر جنگ هستند، خانواده هایی داغدار شده اند و خون عزیزان این سرزمین بر زمین ریخته می شود، مشاهده چنین رفتارهایی در فضای عمومی و انتشار گسترده تصاویر آن، بیش از هر زمان دیگری آزاردهنده است. نمی توان از مردم انتظار داشت که در بحبوحه جنگ، نگران امنیت عزیزان خود باشند، اخبار شهادت هم وطنان نشان را دنبال کنند و هم زمان شاهد برگزاری چنین برنامه هایی باشند که گویی هیچ اتفاقی در کشور رخ نداده است.

مسئله این نیست که جامعه باید در شرایط جنگی زندگی را تعطیل کند، اما این گونه رفتار ها نوعی دهن کجی به مردم داغدار است. جنگ، نباید به معنای تعطیلی قانون و رهاشدگی عرصه فرهنگی باشد. اتفاقاً در شرایطی که کشور با جنگ شناختی و تلاش گسترده دشمن برای تغییر سبک زندگی و ارزش های اجتماعی مواجه است، دستگاه های مسئول باید با حساسیت بیشتری نسبت به چنین روندهایی واکنش نشان دهند. بی تفاوتی امروز، می تواند به عادی شدن فردای رفتارهایی منجر شود که زمانی حتی تصور وقوع آن ها در فضای عمومی جامعه دشوار بود.

در اروپای دوست داشتنی عادل فردوسی پور فوتبال چگونه تحلیل می شود؟

کمی از «گری لینه کر» یاد بگیر پسر جان!

که می شود از تناقضاتش برق تولید کرد. برای نمونه وقتی از شادی و طراوت تیم ملی نروژ که در نتیجه قبول شرایط زندگی عادی حادث شده می گوید، نمی داند یا خودش را به نادانی زده که یاران ارلینگ هالند بخشی از درآمد حاصل از شرکت در جام جهانی را به مردم فلسطین اهدا کرده اند.



مسعود حنیفی
روزنامه نگار

سیاه پوستان مهم است»، نویل و کاراگر هر دو از زانو زدن بازیکنان پیش از مسابقات دفاع کردند و آن را در حکم ضرورتی اخلاقی قلمداد کردند.

در آن سوی اقیانوس، شبکه ای اس پی ان و برنامه هایی مانند «اسپورتنس سنتر» و «فرست تیک» مرز ورزش و سیاست را تقریباً محو کرده اند. ماجرای کالین کپرینک که در اعتراض به خشونت پلیس علیه سیاه پوستان زانو زد، ماه ها محور اصلی بحث های این شبکه بود. استیون ای. اسمیت، تحلیلگر سرشناس ای اس پی ان، بارها دونالد ترامپ تروریست را به خاطر واکنش هایش به این ماجرا در برنامه زنده مورد حملات تند قرار داد. حتی در برنامه «اراوند د هورن» همین شبکه، مجریان و مهمانان به طور روزانه درباره تأثیر تصمیمات سیاسی کاخ سفید بر دنیای ورزش به بحث و مبادله نظر می پردازند. در اسپانیا، «ال چیرینگیتو» که پربیننده ترین برنامه فوتبالی این کشور است، به طور مداوم درباره استقلال طلبی کاتالونیا و تأثیر آن بر بارسلونا بحث می کند. در فرانسه، «کانال فوتبالی کلاب» شبکه کانال پلاس در جام جهانی ۲۰۲۲ میزگردی درباره سیاست های فرانسه در قبال آفریقا و ارتباط آن با تیم دشان برگزار کرد. در آلمان هم برنامه های ARD و ZDF در تورنمنت های بزرگ، تحلیل های مفصلی درباره ژئوپلیتیک و حقوق بشر-ولو به شیوه غربی اش- پخش می کنند.

واقعیت این است که در رسانه ها فوتبال و سیاست دو روی یک سکه اند و مجریان بزرگ، ورود آگاهانه به مباحث سیاسی را نشانه بلوغ و مسئولیت رسانه ای خود می دانند. شاید اگر فردوسی پور نگاهی دقیق تر به همین الگوهایی که به آن ها استناد می کند بیندازد، متوجه شود که جدا دانستن ورزش از سیاست، جایی در سیاست های کشورهای مطبوع و مورد علاقه اش ندارد. هرچند همه می دانیم نقاب ضد سیاسی فردوسی پور اتفاقاً برای سیاست سازی است و کمتر کسی از زدوبند های سیاسی و روابط و ضوابط سی ساله اش بی اطلاع است.

را به تصویر بکشد.

در این خانواده، مادر و پسر که به ترتیب معلم و دانش آموز مدرسه بودند، به شهادت رسیدند و تنها دختر خانواده زنده از زیر آوار بیرون آمد. گروه سازنده مستند تلاش کرده از همان روزهای نخست در کنار این خانواده باشد و زندگی آنان را پس از این حادثه تلخ دنبال کند.

پذیرفته با اشاره به حال و هوای میناب پس از این فاجعه گفته است که تقریباً همه مردم شهر به نوعی با این مصیبت درگیرند؛ یا عزیزی را از دست داده اند یا با خانواده ای داغ دیده نسبت خانوادگی و دوستانه دارند.

هدف اصلی «سی و شش هفت» ثبت حقیقت این جنایت و رساندن روایت آن به مخاطبان، به ویژه در سطح بین المللی است؛ روایتی که قرار است از زاویه زندگی قربانیان و بازماندگان، تصویری انسانی از این فاجعه ارائه دهد.



مستند «سی و شش هفت» به کارگردانی امیر پذیرفته از همان روزهای ابتدایی جنگ در میناب کلید خورده و هنوز در مرحله فیلمبرداری قرار دارد؛ مستندی که قرار است روایت یکی از خانواده های بازمانده فاجعه مدرسه «شجره طیبه»

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

■ آدرس: خ سپهبد قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۹۲

یادداشت

معرفی سه کتاب به مناسبت شهادت حضرت رقیه (س)

محمد قربانی
روزنامه نگار

در فضای فرهنگی و مذهبی ایران، کتاب های متعددی درباره حضرت رقیه (س) نوشته شده است که به بررسی ابعاد تاریخی، روایی و عاطفی زندگی ایشان می پردازند. در ادامه و به مناسبت سالگرد شهادت دردانه سیدالشهدا، سه کتاب شناخته شده با رویکردهای متفاوت معرفی می شود:

«ستاره درخشان شام؛ حضرت رقیه دختر امام حسین (ع)»/ نویسنده: علی ربانی خلخالی/ ناشر: انتشارات مکتب الحسین (ع)

این کتاب یکی از جامع ترین و شناخته شده ترین آثار پژوهشی و تخصصی درباره حضرت رقیه (س) است. با توجه به برخی بحث های تاریخی درباره اسناد مربوط به حضور ایشان، نویسنده در این اثر با رویکردی کاملاً تحقیقی به بررسی متون، مقاتل، مدارک و روایات تاریخی می پردازد. این کتاب برای کسانی که به دنبال پاسخ به شبهات تاریخی، بررسی سلسله روات و اسناد اثبات وجود و حضور ایشان در واقعه عاشورا و خرابه شام هستند، منبعی بسیار ارزشمند و تخصصی محسوب می شود.

ریحانه کر بلا/ نویسنده: عبدالحسین نیشابوری/ ناشر: انتشارات دلیل ما

این کتاب با زبانی روان، شیوا و خوش خوان برای مخاطب عام نوشته شده است. نویسنده تلاش کرده تا علاوه بر بیان مستندات تاریخی به شکلی ساده فهم، به جنبه های عاطفی، مصائب مسیر اسارت از کر بلا تا کوفه و شام و در نهایت به وقایع خرابه شام بپردازد. بخش دیگری از کتاب نیز به بیان کرامات و تأثیرات معنوی توسل به این بانوی کوچک در فرهنگ عامه و اعتقادات شیعیان اختصاص دارد که ارتباط حسی خوبی با مخاطب عام برقرار می کند.

سرگذشت جانسوز حضرت رقیه (س)/ نویسنده: محمد مهدی اشتهااردی/ ناشر: انتشارات مطهر مرحوم اشتهااردی که در ساده نویسی مفاهیم و تاریخ مذهبی مهارت بالایی داشتند، در این کتاب با قلمی داستان گونه اما مستند به مقاتل معتبر، زندگی و شهادت حضرت رقیه (س) را روایت می کند. این کتاب حجم مناسبی دارد و بدون ورود به پیچیدگی های متن های ثقیل تاریخی، تصویری روشن، پیوسته و تأثیرگذار از نقش کودکان در حماسه عاشورا و پیامدهای پس از آن ارائه می دهد و برای خانواده ها و مخاطبان عمومی بسیار مناسب است.